

امید مستضعفان جهان چه میگوید

بخش فلیلی از نوده‌ها، خود را روز بروز بیشتر از پیش بعنوان پرچمدار جنایات رژیم جمهوری اسلامی معرفی میکنند. او در نطق ۱۹ مردادش بدون مقدمه ایطور شروع میکند:

"... گاهی بطر میرسد که گفته میشود که که در ایران یک بابا سانیهای هست، یک متلهایی هست، یک کشتاری هست..."
(ناکیده‌ها همه جا از ما است)

حوب، پس سالدای نیست، "بطر میرسد" کسسه "کسه میشود"، "یک" خرهایی هست، سپس خیشی ضس تحقیر مبارزات طبقاتی مردم به این طریق است که:

"انقلابات کوچکی که در ایران واقع شده است قبل از این انقلاب بزرگ..."

"آزوسی که انقلاب است و مشروطه را نسبه پا کرد با اینکه انقلاب سبیز رژیم سلطنتی بود، فقط این بود که سلطنت استبدادی یک قدر محدود بشود و روی فوایس مشروطه باشد..."

در واقع خمینی شور چیزی شکست دو مطلب مهم عنوان کرد. یکی ناچیر سوزن سایل جادی که در ماههای اخیر شکل گرفته است و دیگری خالی کردن پشتوانی تاریخی مبارزات سوده‌ها و تحریف تاریخ.

آنگاه ندای بیرونی‌اش را بریار غار- نوفل لوشاتو- درور و رفیق اسرور با زمزمه‌ای بسک سواحت جنس بر میدهد:

"این چی هی سکضید احتساق است، کو احساق؟ حرفس را شی سیردید، خمینی سکضید احساق است اسرار، جطور است، چما تارید."

جدا آدمی به چه درجادی از وڈالت و دناسنت باید رسیده باشد که حشر پشیمان وجود همه جایی اختساق را تکذیب کند. حتی ناه چسرات سکبرد اختساق را بکنی نفی کند، او سکضید مردم "مسند" (۱) سده است که از "آزادی" (!) استقاده کند لذا باید با خودی اختساقی سراعات شود. اما خمینی که سده است ساد را اریست سسه میگوید: "... احساق... کو احتساق؟" در قاموس تمام رژیمهای استبدادی، درجه‌ای آزادی دولت عادل و مساوی نفی احساق مصوب

در دوران دیکتاتوری شاه- آن کسبی آمال سلطنت طلبان نجل عوض کرده‌ی کوس- موافقی که از میان بر ساسه‌های مسهجن سلویزیوسی و رادیو- بی، چهره و صدای امیرج کرکین ها، نایبی ها و محمودیان ها ظاهر میشد، سکوسی فنای تماشاگر و شنونده را در بریکرت، سکوسی سبات گزنته از شفر و ختم و دلهره.

مردم بیان شدن آن مزدوران را، سسپسون سسه‌ی چند نحس و بدین میدانند، آنها سسه کسه‌های پر ادبیار و نکیت و بیگانه‌ی جسلادان ساواک با دفت گوتش میدادند تا بدین ترتیب بتوانند دست دشمن را بجوانسند و امای تازه گسترده را بشناسند و حتی المقدور آنرا خشی کنند.

بعد از انقلاب سیاسی سسین ماه ۲۷ و شومس دیکتاتوری سرمایه از سوع نظامی شاه سسسا دیکتاتوری سرمایه از سوع آخوندی خمینی و چا افتادن نسبی نتیجه‌ی یک انقلاب سسپ شده، مردم با آهنگ رشدی سمراس برو به افرایش بریابند که پل مراد قشری سده است که از سافع آسمان تنها در حرف- آنها بطور سلخی- حساب سکند آنها دریابند که سساور معاضدی سده است که علیه اش سسون داده است. رفتند رفتند سسردم دریابند که آخوند طحالی، که از سسحسبات ظاهری چهره‌های سسور رژیم سسل چیزی نداسد، سسک مرگ است و به هر جا سری سسرت سسسه‌ای از کشته‌ها و اعدام سدان سالی سکدارد، ظاهر شدن سسشی "سوم و فدوسی و سوسوی اردبیلی موجی از نفرت و اشرجار ایجاد سکرد سبالاخره کیلانی- حاکم شرع اکبر- در کنار لاسوردی و کجویی به درگ واصل شده در تلویزیون ظاهر شده، کیلانی- این اسطوره‌ی فراغی مصر- با تفرعن خاص مسحرا اعدام انقلابیون سسوان و سبالغ را اعتراف کرد و سسده‌ها کجویی- اسبراطور سابق بلاسازع زندان اوین- در تاسیدا و سمراس سساعترافنی موجرلاجوردی، سسسه اعترافیه‌ی سساشسسه - بخوانید سساید- را از پس برد.

امروز دیگر آنها کسرت آفتابی سکوسند، اما دهل مرگ خاموشی سکگرد. سسده سسسه انقلابیون به جوخه‌های اعدام سسده سکوسند، رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها، محله‌ها، سسایر و سساحد و سسام ارگانه‌های سسلسانی رژیم از یک چیز دم سسزده "کشتار بی وفدی انقلابیون" ... و اکسور خمینی که از بیون خون سسرخ و کرم انقلابیون آنقدر به وجد آمده کسه در پوست نسکسجد و داکتا مزاج سفرا سسید و سسج گونه کوشی برای استنار این باطن سسسی بعمل سسآورد، او آنقدر از سسوا احکام "اسلام سسیر" خوشود است که خشم و نفرت رو به تریاب مردم را سکسید. خمینی به سسوان آخرس سسگرتوهم

مبارزه با امیر بالیسیم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست

میگوید. کیست که نداند که پینوشه، فریب‌ساز می‌کشید: "من برای اعاده‌ی دموکراسی (.) آمده - ام"

خمینی خوب میداند که اطلاعاتی که او می‌دهد در مورد انقلاب و دادستان کل نه‌بهران و سپاه پاسداران، مبنی بر گمان‌زنی برخی از مسرورم به جاسوسی ستوانسته‌اند. بخشی بازی کنند و لذا خود گام اساسی را بر میدارند:

"من به حسب تکلیف شرعی به همه‌ی ملت عرض میکنم که هر منزلی که در اطراف خاسه‌ی خود است نظر بکند بمسجد چه جور میگردد."

خمینی که به قیامت‌انگیزان کار در نزد توده‌ها پی برده است هر چند شی "تکلیف شرعی" هم باشد، با کوچک جلوه دادن "جاسوسی" اضافه میکند:

"خوب هر اسبانی سوادش که بی‌همد این منزل همسایه کبها هستند؟ چه میکنند؟ آن منزل آنطرفی اش هم چه میکنند؟ این دوسه تا... بیدار کردند یک رد پایی از منافقین و منحرفین هورا اطلاع بدهد."

او چندین بار جملاتی با همین مضمون را تکرار میکند، سعی میکند بطریق آخوندی یعنی تلفیق و تکرار و تکرار حرفها بیشتر را جا بیندازد، ولی مطمئن نیست. میگوید:

"دولت همچنین قدرتی الان ندارد که همه در سرتاسر کشور، عرض کنم، اطلاعات داشته باشد. خود شما جمعیت اطلاعاتی و گروه اطلاعاتی باشید."

پس معلوم شد "الان دولت" قدرتی "برای ساختن یک دستگاه اطلاعاتی برای سرتاسر کشور" ندارد، پس مردم باید "جمعیت اطلاعاتی" او باشند. یعنی در واقع:

اولا: خیالتان تخت... دولت در آینده دستگاه اطلاعاتی سرباسری بوجود خواهد آورد. آنچنان دستگاهی که به ساواک بگوید: "تو در بنا، که من میخواهم بیرون باشم"

ثانیا: این جمعیت اطلاعاتی "و گروه اطلاعاتی" یعنی در واقع جاسوسی بی حیره و مواجب بسیاری سرمایه‌داری معمم یک تکلیف موفقی است. "ده، بیست روز، یک ماه" بیشتر طول می‌کشد. بار وجداسی نیست. بعله! امام ظلمت خوابها در سر دارد، او بجوی می‌داند که بخشی از مردم هم اگر بفرض محال حاضر به شنیدن دادن به این "تکلیف شرعی" باشند، مداوم نمی‌توانند باشد، دستگاه "سرباسری" میخواهد.

بعد از آنکه خمینی مطمئن می‌شود در مورد "تکلیف شرعی... برای حفظ دما" مسلمین " حرفهایش را رده است دوباره سادآوری می‌کنند که "اسلام در خطر است" و چون خوب می‌داند دیگر این حنا رنگی ندارد و بخش قلیل متوهم مردم هم از او مابوسد می‌گوید: "اصل کلمه با سرتا در ذهنان وارد نکند که اش از جنود شیطان است، با سرتا جنود شیطان است..."

اما او خوب می‌داند کار از نصیحت و پند و اندرز گذشته است بحرانی کمر شکن دست‌اندر کار است که اگر با حرکت آگاهانه توده‌ها ادغام شود کارنامه‌ی بیرجنایت و خیانت رژیم آودرنور دیده خواهد شد پی به آخرین پناهگاه و راه چاره کهنه شده‌ای چون "کمک" به "مستمنان" و فقرا "سپاه می‌برد. و باز هم برای اینکه خودش را از ملزومات حکومتش جدا کند می‌گوید: "البته یک گله‌ها پی هست از اینها پی که میخواهند مسائل را اجرا کنند... آنجاها خیلی ارشان شکایت هست به اینکه کسار صحیح نمی‌کنند، بد عمل می‌کنند، به مردم تعدی می‌کنند، من کارا گفتم که ملک اسلامی باید همه چیزش اسلامی باشد." باز هم وعده و وعید، باز هم دریاغ سبز نشان دادن، باز هم سوابق ذهنی توده‌ها را تساهله گرفتن، باز هم کور خواندن.

اخبار...

© معازیه رنگ فروشی شین دری که پسر ۱۶ ساله‌اش نگهبان بازداشتگاه موتت کمیته‌ی مرکزی مشهد است، ساعت ۱۵/۳۰ با کوکتل مولوتف آتش زده شده است. شماره‌ی پلاستیک فروشی عموی او نیز تولا آتش گرفته و ستمش فرو ریخته بود.

© همچنین در سینابور بطرف منزل رئیس آموزش و پرورش و کیوسک پاسداران سه راهی پرتساب گردید.

۶۰/۵/۱۷

© انجمن اسلامی خیابان دریادل مشهد در ساعت ۷ شب توسط سه راهی نورد حمله قرار گرفته و سه آتش کشیده شده است.

۶۰/۵/۱۸

© عصر این روز، ساختمان تاسیسات فرودگاه مشهد دچار آتش سوزی شده، علت حادثه بی دقتی کارگر-ان حوشکار اعلام گردید!

۶۰/۵/۱۹

© صبح این روز، درویش مرادی و پاسداری بنام حسن سوری در بازگشت از بیگ بیمارستان در مشهد توسط ۲ موتور سوار به رگبار بسته شدند. مرادی درجا کشته و پاسدار مذکور زخمی و بستری شد.

© ساعت ۵ صبح، ۲ موتور سوار به منزل یک حزب‌اللهی نام سیدآبادی که کارمند آموزش و پرورش سینابور است، ۵ عدد کوکتل مولوتف پرتساب و خود فرار کردند.

© ساعت ۱۵ شب منزل سید محمدی جعفری عضو "دادسرای انقلاب اسلامی" سیرجند، با کوکتل مولوتف مورد حمله واقع شد. "دادسرای انقلاب" عبور و مرور موتورها را از ۷ شبالی ۵ صبح مسوع کرده است.

مردک بر امیربالیسم جهانی به سرکردگی امیربالیسم امریکا